

دیدگاه‌های غضائری و ابن غضائری

درباره مقامات امامان علیهم‌السلام

با نگاهی انتقادی به قرائت غیر الهی از امامت

[رضا قربانی زرین*]

امامت^۱ و کمالات و فضایل امامان علیهم‌السلام از مهم‌ترین مباحث اعتقادی و دارای حساسیت‌های فراوانی در طول تاریخ تشیع بوده است. آشنایی با دیدگاه‌های علما و محدثان متقدم شیعی در تحلیل تاریخی عقاید شیعیان، بسیار حائز اهمیت است. غضائری و پسر او از علمای بزرگ رجالی بوده و با تصنیفات شیعیان عصر خود، آشنا بوده‌اند. به این ترتیب دیدگاه‌های ایشان درباره مقامات امامان علیهم‌السلام و حدود غلو، حائز اهمیت است. اهمیت دیدگاه این دو با توجه به باور برخی از معاصران ما که معتقدند بیشتر قدما - به ویژه ابن غضائری - قرائتی غیر الهی از منصب امامت داشتند، دوچندان می‌گردد. در این مقاله با استفاده از شواهد تاریخی، احادیث روایت شده از سوی غضائری و متن کتاب الضعفاء منسوب به ابن غضائری، نشان داده شده است که غضائری پدر و پسر از معتقدان به امامت منصوص از ناحیه خداوند بوده و امامان علیهم‌السلام را واجد کمالاتی چون عصمت، علم و هبسی، آگاهی بر مغیبات و توانایی‌های خارق عادت می‌دانسته‌اند. داوری درباره حدود کمالاتی چون آگاهی بر مغیبات و نظایران با توجه به برجای نماندن آثار مستقل ایشان، به دقت میسر نیست؛ اما اصل این کمالات مورد تأیید ایشان بوده و آن را غلو محسوب نمی‌کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها: غضائری، ابن غضائری، مقامات ائمه، علمای ابرار، غلو.

* دانشجوی دکتری قرآن و حدیث دانشگاه تهران .ghorbaniz@yahoo.com

۱- طرح مسئله

از دیدگاه شیعه امامیه، امامت منصبی الهی است که با تعیین و نصب از جانب خداوند متعال همراه است. امام، برترین مردمان و عاری از گناه و عیب است. دانش وی نه برگرفته از مردمان، بلکه به صورتی ویژه به او ارزانی شده است. امام به لطف و اذن الهی از مغیبات آگاه است و توانایی های خارق عادت دارد. مصدر و منبع اصلی این اعتقاد را باید به حق در قرآن کریم و سنت نبی مکرم اسلام ﷺ جستجو نمود.^۱ تفصیل کمالات امامان علیهم السلام نیز در روایات ایشان بیان شده است؛ آن چنان که اکنون بخش مهمی از میراث حدیثی امامیه به روایات درباره امامت و کمالات امام اختصاص دارد. با این حال در عصر حاضر برخی از نظریه پردازان با ارائه دیدگاه هایی، سعی کرده اند تا جایگاه امامان علیهم السلام را نه مقامی الهی بلکه منصبی عادی و اکتسابی معرفی نمایند. از دید ایشان، تنها رسول خدا ﷺ منصبی الهی داشته اند و پس از ایشان وبسته شدن باب نبوت و رسالت، دیگر نباید از جایگاه الهی هیچ کس سخن به میان آورد. در این بین، محسن کدیور با انتشار مقالاتی مقدماتی در اواخر سال ۱۳۸۴^۲ به انتقاد از امامت رایج شیعی پرداخت. وی در مقاله سال ۱۳۸۵ خود^۳، نظریه خویش در باب امامت را «علمای ابرار» نام نهاد و از آن به «قرائت فراموش شده» تعبیر نمود.

از ارکان مهم این نظریه، انکار مقامات خاص امامان علیهم السلام از قبیل علم وهبی، آگاهی بر امور پنهان، توانایی های تکوینی و حتی معصوم و منصوص بودن ایشان از جانب خداوند است.

۱. از جمله مهم ترین آیات درباره امامت و مقامات ائمه علیهم السلام می توان به این موارد اشاره نمود: آیه ولایت (مائده/۵۵)، آیه اکمال (مائده/۳)، آیه اولی الامر (نساء/۵۹)، آیه تطهیر (احزاب/۳۳) و آیه علم الكتاب (رعد/۴۳). همچنین برخی از مشهورترین موارد از سنت نبوی ﷺ در این مورد عبارت اند از: حدیث غدیر، حدیث ثقلین، حدیث سفینه نوح، حدیث منزلت، حدیث انا مدینه العلم (برای مصادر این احادیث و استناد به آنها رک: میلانی، سید علی، *نفحات الأزهار*).

۲. کدیور، محسن، *بازخوانی نهضت حسینی*.

۳. همو، *قرائت فراموش شده؛ بازخوانی نظریه علمای ابرار، تلقی اولیه اسلام شیعی از اصل امامت*.

وی در بیان تفاوت میان پیامبر و امام در نظریه علمای ابرار چنین می‌گوید:

بر اساس این نظریه، ائمه هرگز با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قابل قیاس نیستند چرا که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اولاً منصوب از جانب خداوند است، ثانیاً با علم لدنی و غیر اکتسابی «وحی» الهی را تلقی کرده است، ثالثاً وحی الهی و سنت نبوی با ملکه عصمت از جانب خدا حفظ می‌شود... بر این اساس هرگونه صفت فرابشری برای ائمه انکار می‌شود و از ایشان با عنوان "علمای ابرار" (دانشمندان پرهیزکار) یاد می‌شود.^۱

نوع نگرش و استدلال کدیور در نظریه پرداز، بیشتر صبغه تاریخی دارد. وی با ارائه شواهد مختلف، سعی دارد نشان دهد که چنین تفکری میان متقدمین شیعه، رواج داشته است. بر نظریه کدیور، نقدهای بسیاری ایراد شده است^۲ و مقاله حاضر نیز با وقوف بر این نقدها و با هدف تکمیل و تعمیق آن‌ها، به رشته تحریر درآمده است.

از جمله شواهد نظریه «علمای ابرار» استفاده از بیانی از وحید بهبهانی است^۳ که بر مبنای آن سعی شده تا جمعی از علمای متقدم، از جمله أحمد بن حسین بغدادی مشهور به ابن غضائری، از معتقدان به این نظریه قلمداد شوند.

کدیور در برداشت از این شاهد چنین می‌گوید:

قدما (عالمان شیعی تا میانه قرن پنجم) درباره ائمه به گونه‌ای متفاوت می‌اندیشیدند. شئونی که ایشان برای امامان قائل بودند در مقایسه با شئونی که پس از ایشان برای ائمه قائل شدند پایین‌تر است به نحوی که آنان (قدما) اعتقاد فراتر از حدی را که خود باور داشتند از تفاعل در مذهب و غلومی شمردند.

۱. همو، قرائت فراموش شده؛ بازخوانی نظریه علمای ابرار، تلقی اولیه اسلام شیعی از اصل امامت..
 ۲. از جمله مهم‌ترین نقدها باید به این موارد اشاره نمود: محمد جواد رضائی، بهزاد حمیدیه، حسن انصاری و اصغر غلامی. برای دستیابی به مجموع نقدهای منتشر شده رک: www.toraath.com، بخش نقدهای دیگر صاحب‌نظران.

۳. کدیور، محسن، همان. این بیان به صورت کامل در ادامه مقاله، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

... احمد بن حسین بغدادی مشهور به ابن غضائری (متوفی ۴۵۰) از جمله منتقدان به جریان فرابشری صفات ائمه بوده‌اند.^۱

وی همچنین درباره حد مجاز مقامات امامان بنا به گزارش وحید چنین می‌گوید: محورهای اختلاف در صفات ائمه به گزارش وحید عبارت بوده است از: امکان صدور سهو، تفویض امور به ائمه، معجزات، امور خلاف عادت، شان و مرتبه ائمه، منزّه بودن ایشان از بسیاری نواقص، علم غیب، قدرت ائمه. فصل مشترک تمامی محورهای یاد شده شئون فرابشری ائمه است.

پنجم: صفت عصمت در گزارش وحید در زمره صفات اختلافی ائمه نیست. او مرتبه نازلی از عصمت را جزء اعتقادات قدما دانسته است. آیا عصمت مقول به تشکیک و ذو مراتب است؟ یا امری متواطی و دائرین نفی و اثبات است؟ (بالاخره یا ائمه را معصوم می‌دانستند یا نمی‌دانستند). آنچه‌آنکه در شاهد سوم خواهد آمد این نکته در گزارش وحید صائب به نظر نمی‌رسد، و اختلاف اصحاب صفت یاد شده رانیز در بر می‌گرفته است.^۲

اهمیت دیدگاه‌های ابن غضائری آن‌چنان بوده است که کدیور در بیانی چنین از وی یاد می‌کند:

ابن غضائری... نسبت به رعایت شأن ائمه حساسیت ویژه داشته و انتساب شئون فرابشری از قبیل علم غیب، قدرت خارق‌العاده، معجزه، تفویض امور تشریحی و تکوینی را خروج از حد مجاز اعتدال مذهبی و منجر به ارتفاع در مذهب یا غلو می‌دانسته و خود را شرعاً موظف به مبارزه با این‌گونه زیاده‌روی‌ها می‌دانسته است. اگرچه به واسطه عدم وصول اکثر آثار

۱. کدیور، محسن، همان. این بیان به صورت کامل در ادامه مقاله، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. همان.

ابن غضائری به زمان ما، درباره «حد مجاز اعتدال مذهبی درباره صفات ائمه» از نظر ابن غضائری نمی‌توان به دقت سخن گفت، اما با اطمینان می‌توان او را یکی از منتقدان جدی انتساب شئون فرابشری به ائمه و از جمله غیرتمندترین عالمان قائل به رویکرد بشری به امامت در شیعه یا نظریه علمای ابراردانست. مطالعه کتاب بجا مانده و تأمل در آراء اجتهادی ابن غضائری که مبتنی بر دیدگاه خاص اعتقادیش درباره ائمه است و خوشبختانه به اختصار به این مبانی اشاره کرده است - رافع هرابهامی در این زمینه است.^۱

مسئله و محور اصلی این مقاله، بررسی دیدگاه‌های غضائری و ابن غضائری درباره امامان علیهم‌السلام و کمالات ایشان است. به صورت مشخص باید بررسی نمود که آیا این دو عالم بزرگ متقدم، انتساب هرگونه موردی چون علم غیب، قدرت خارق العاده یا معجزه را به امامان علیهم‌السلام غلو می‌پنداشته‌اند؟ برای پاسخ علمی به این پرسش ابتدا باید مبانی و مفروضات را برای تحقیق آراء ایشان تعیین نمود.

۲- معرفی غضائری پدر و پسر

حسین بن عبیدالله بن ابراهیم غضائری باکنیه ابو عبدالله در زمره مشایخ نجاشی و شیخ طوسی بوده است. شیخ طوسی وی را با عبارات «کثیر السماع» و «عارف بالرجال» ستوده است.^۲ وی معاصر شیخ مفید بوده و در نیمه صفر سال ۴۱۱ وفات یافته است.^۳ فرزند او احمد نیز در سلك مشایخ حدیث و آگاهان از کتاب‌های امامیه بوده است. اطلاعات موجود درباره احمد بن حسین بسیار اندک است. از خلال نقل سخنان او در رجال نجاشی و سخن کوتاه شیخ طوسی در مقدمه فهرست می‌توان اطلاعاتی

۱. کدیور، محسن، همان. این بیان به صورت کامل در ادامه مقاله، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. طوسی، محمد بن حسن، رجال، ۴۲۵.

۳. نجاشی، احمد بن علی، رجال، ۴۱۱.

محدود درباره او به دست آورد. آن چنان که از این متون برداشت می‌شود وی از هم‌درسان نجاشی و شیخ طوسی در محضر پدر خود بوده است. با توجه به کاربرد لغت «اخترام» درباره وفات احمد بن حسین^۱، شاید وی قبل از چهل سالگی از دنیا رفته باشد.^۲

۲-۱- تألیفات غضائری‌ها در موضوع امامت

تألیفات حسین غضائری در فهرست نجاشی^۳ ذکر شده است. مهم‌ترین تألیفات او که به مباحث امامت مرتبط است، بدین شرح‌اند:

کتاب التسليم على أمير المؤمنين [عليه السلام] بإمرة المؤمنين

کتاب عدد الأئمة و ما شد على المصنفين من ذلك

کتاب يوم الغدير

کتاب الرد على الغلاة و المفوضة

کتاب مواطن أمير المؤمنين [عليه السلام]

کتاب في قول أمير المؤمنين [عليه السلام]: ألا أخبركم بخير هذه الأمة.

ظاهراً شرح حال او و نام تألیفاتش، در فهرست شیخ طوسی نیز موجود بوده است ولی در نسخه‌های فعلی این کتاب، مفقود است.^۴

اما متأسفانه هیچ شرح حالی از احمد بن حسین و گزارشی از کتاب‌هایش در دست نیست. شیخ طوسی در مقدمه فهرست خود به تألیف دو اثر از سوی او، یکی درباره فهرست اصول و دیگری فهرست مصنفات امامیه یاد می‌کند.^۵ ویژگی این دو اثر، جامعیت آن‌ها بوده است؛ اما متأسفانه این دو اثر پس از مرگ ناگهانی و دور از انتظار ابن غضائری، از سوی برخی از وارثان وی از بین برده شده است.^۶

۱. طوسی، محمد بن حسن، فهرست، ۲.

۲. رك: طریحی، مجمع البحرین، ۵۶/۶.

۳. نجاشی، احمد بن علی، همان، ۶۹.

۴. رك: خوبی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، ۱۹/۶ و ۲۰.

۵. طوسی، محمد بن حسن، همان، ۲.

۶. همان.

شیخ طوسی تصریح می‌کند که هیچ‌یک از اصحاب ما موفق به نسخه برداری از آن دو کتاب نشده است.^۱ به این ترتیب احتمال قوی وجود دارد که این امر درباره تمامی آثار وی اتفاق افتاده باشد و در این صورت باید گفت که آثار ابن غضائری در بین امامیه معاصروی، امکان رواج نیافته است. اثری که امروزه منسوب به احمد بن حسین بن غضائری است، کتاب الضعفاء است.

در انتساب این کتاب به ابن غضائری تردیدهای فراوانی ابراز شده است. آقا بزرگ در الذریعة به شدت از انتساب این کتاب به ابن غضائری انتقاد نموده است.^۲ وی معتقد است این کتاب با برگرفتن بخشی از منقولات کتاب نجاشی و طوسی از ابن غضائری و افزودن مطالب باطل فراوان ساخته شده است.^۳ همچنین آیت الله خویی در مقدمه معجم رجال الحدیث از عدم ثبوت و غیرقابل اعتنا بودن کتاب سخن گفته است.^۴ از جمله قرائنی که بر صحیح نبودن انتساب این کتاب به ابن غضائری دلالت می‌کند، یکی اختلاف میان تضعیفات او با اظهار نظرهای نجاشی در فهرست، هم در اصل تضعیف و هم در عباراتی که نشان دهنده ضعف راوی می‌باشد؛ و دیگری، عدم اشاره نجاشی به نظر ابن غضائری است.^۵

۱. همان.

۲. طهرانی، آقا بزرگ، الذریعة، ۴/۲۸۵.

۳. همان.

۴. خویی، سید ابوالقاسم، همان، ۱/۱۰۲.

۵. پیرامون تفاوت دیدگاه های ابن غضائری و نجاشی:

أ. در مورد اصل توثیق و تضعیف، به ترجمه این راویان مراجعه کنید: سلیم بن قیس، سهل دیباجی، ابراهیم بن عمر یمانی صنعانی، اسماعیل بن مهرا بن محمد بن ابی نصر السکونی، ابراهیم بن سلیمان بن عبدالله (عبیدالله)، حذیفه بن منصور بن کثیر، خلف بن حماد بن ناشر، سلیمان بن داود المنقری، صباح بن یحیی و ...

ب. در مورد تفاوت در تعبیر، به ترجمه این راویان مراجعه کنید: اسحاق بن محمد بن احمد، احمد بن محمد ابوعبدالله الأملی الطبری، اسماعیل بن علی بن علی، جعفر بن اسماعیل المنقری (نجاشی کتاب وی را به واسطه حسین غضائری روایت می‌کند)، القاسم بن یحیی بن

در حال، اثبات یا رد استناد این اثر به ابن غضائری، موضوع این مقاله نیست. تنها نتیجه مهم، قطعی نبودن استناد این اثر به ابن غضائری است. به این ترتیب باید گفت که هیچ‌یک از تألیفات این پدر و پسر بر جای نمانده است و اطمینانی در انتساب کتاب الضعفاء موجود نیز به ابن غضائری وجود ندارد. این امر اظهار نظر دقیق درباره معتقدات و دیدگاه‌های ایشان را مشکل می‌سازد. با این حال با دقت در عناوین کتاب‌های غضائری پدر تا حدودی می‌توان دیدگاه‌های کلی وی را حدس زد. همان‌گونه که در فهرست تألیفات حسین غضائری مشاهده می‌شود، کتاب‌هایی با موضوع «روز غدیر» و «سلام کردن بر امیرالمؤمنین با عنوان امیر مؤمنان» به روشنی مضمونی شیعی داشته، در راستای اثبات ولایت آن حضرت است. همچنین کتاب عدد الاثمة که علی القاعده باید به تعداد امامان علیهم‌السلام مرتبط باشد، باز هم در سلك کتاب‌های مرسوم شیعی درباره اثبات امامان علیهم‌السلام و به‌ویژه امام غائب علیه‌السلام است. کتاب دیگری از غضائری درباره قول منسوب به امیرالمؤمنین علیه‌السلام است که در آن، حضرت از تفضیل ابوبکر و عمر بر خود سخن گفته‌اند. این روایت بین اهل تسنن مشهور است.^۱ به نظر می‌رسد این کتاب در رد ادعای اهل تسنن بوده است، زیرا ابن حجر این کتاب را با عنوانی دیگر، چنین نام برده است: الکلام علی قول علی خیر هذه الأمة بعد نبیها^۲، که به معنای رد این روایت و تضعیف آن است.^۳

الحسن بن راشد (نجاشی کتاب وی را به واسطه حسین غضائری روایت می‌کند)، حمید بن شعیب (نجاشی کتاب وی را به واسطه حسین غضائری روایت می‌کند)، الحسین بن مهران بن محمد، الحسن بن محمد بن یحیی، خیبری بن علی الطحان، دارم بن قبیصة، شریف بن سابق التفلیسی، صالح بن عقبه بن قیس، ظفر بن حمدون و ...

۱. برای اطلاع از روایات متعدد اهل تسنن در این باره رک: ابن حنبل، احمد، مسند احمد، ۱/۱۰۶، ۱۱۰، ۱۱۵، ۱۲۵، ۱۲۷ و ۱۲۸.

۲. سیاق بیان ابن حجر در نقل از فهرست شیخ طوسی است؛ هر چند هم اکنون در متن فهرست شرح حال غضائری پدر موجود نیست و ظاهراً این بخش، مفقود شده است. (خویی، سید ابوالقاسم، همان، ۶، ۲۰)

۳. عسقلانی، ابن حجر، لسان المیزان، ۲/۲۹۷.

به این ترتیب به نظر می‌رسد معتقدات حسین غضائری در امر امامت منصوص، باید شبیه به معتقدات تشیع رسمی باشد.

۲-۲- نقل روایات از سوی غضائری پدر و پسر

پس از تألیفات علمای متقدم، راه بعدی برای کشف عقاید آن‌ها، دقت در مضامین احادیثی است که از سوی ایشان روایت شده است. این مطلب در جای خود قابل بحث و بررسی است که آیا نقل روایت در بین قدمای به معنای اعتقاد به مضمون آن بوده است. با این حال آنچه برای بحث فعلی کفایت می‌کند آن است که قدمای روایتی را که از دیدشان غلوآمیز و مشتمل بر مطالب باطل و کذب بوده، روایت نمی‌کرده‌اند. این امر شواهد متعددی دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به استثناء نمودن مطالب غلوآمیز کتاب‌ها به هنگام نقل و همچنین پرهیز از نقل روایاتی که از دید راوی باطل بوده است، اشاره نمود.^۱ برخی از روایانی که کتاب‌هایشان پس از استثناء برخی از بخش‌های آن، روایت شده است عبارت‌اند از: احمد بن محمد سیاری^۲، محمد بن سنان^۳، محمد بن أورمه^۴، محمد بن علی ابوسمینه^۵ و محمد بن حسن بن جمهور^۶.

به این ترتیب، نقل روایات از سوی علما و محدثان، حداقل نشانه باور آن‌ها به دوری

۱. به عنوان نمونه، شیخ مفید به هنگام روایت کتاب الشرایع اثر علی بن ابراهیم، یکی از احادیث آن را روایت نمی‌کند. (طوسی، محمد بن حسن، همان، ۲۶۷). البته مشکل این روایت از دید شیخ مفید غلوآمیز بودن آن نیست بلکه بطلان نقل آن است. و یا شیخ صدوق، عدم انکار این ولید را در مورد روایتی که بر او قرائت کرده نشانه بی‌اشکال بودن آن روایت دانسته است. (صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ۲/ ۲۱ و ۲۲).

۲. نجاشی، احمد بن علی، همان، ۸۰؛ طوسی، محمد بن حسن، همان، ۵۷.

۳. همان، ۴۰۶ و ۴۰۷.

۴. همان.

۵. همان، ۴۱۳.

۶. همان، ۴۱۳.

روایت از غلو و کذب است. با این فرض مقبول، می‌توان تا حدودی عقاید غضائری پدر را بازشناسی نمود.

کتاب‌های بسیاری از سوی غضائری پدر برای نجاشی و طوسی روایت شده است. نجاشی و شیخ طوسی، برخی از کتاب‌ها را بر غضائری پدر قرائت کرده‌اند که این امر به منزله اجازه استاد، نسبت به نقل روایات آن کتاب بوده است. یکی از مهم‌ترین کتاب‌های روایت شده از سوی حسین غضائری، کتاب کامل الزیارات جعفر بن محمد بن قولویه است. ابن قولویه که مهم‌ترین استاد شیخ مفید بوده^۱، از سوی نجاشی برتر از هر آنچه مردم از زیبایی، وثاقت و فقه به آن وصف می‌شوند، معرفی شده است.^۲ کتاب کامل الزیارات با نام جامع الزیارات از سوی شیخ طوسی وصف شده و به روایت آن در ضمن کتاب‌های ابن قولویه از طریق مفید و غضائری اشاره شده است.^۳ نجاشی نیز ضمن ذکر این کتاب در بین کتاب‌های ابن قولویه، به این که بیشتر کتاب‌های او را نزد شیخ مفید و غضائری پدر قرائت کرده، اشاره دارد.^۴

نیم‌نگاهی به کامل الزیارات، نشان‌گر روایات متعددی با مضمون نصب الهی امامان، عصمت، علم وراثتی و وهبی و فضایل بی‌شمار ایشان است. قطعاً در صورتی که غضائری تابع دیدگاهی شبیه به نظریه «علمای ابرار» بود و تمامی موارد فوق را غلو و کذب می‌دانست، نباید کتابی مشتمل بر این اکاذیب را روایت می‌کرد یا اجازه می‌داد تا بر او قرائت شود، یا اگر به هر دلیل آن را روایت می‌نمود باید موارد غلوآمیز و کذب را استثناء می‌کرد؛ حال آنکه چنین نیست.

به‌عنوان نمونه، برخی از مضامین والای روایت شده در کامل الزیارات درباره شئون

۱. نجاشی، احمد بن علی، همان، ۱۲۳.

۲. همان.

۳. طوسی، محمد بن حسن، همان، ۱۰۹.

۴. نجاشی، احمد بن علی، همان، ۱۲۴.

امامان علیهم السلام بدین شرح است:

شهادت می‌دهم که شما برگزیدگان خدا و نگهبانان او و حجت‌های بالغه او بوده‌اید که با علمش شما را یاوران دین خودش قرارداد، به امر او قائم هستید و نگهبانان علم او هستید و حافظ اسرارش بوده و بازگوکننده وحی او و معدن و مرکز کلمات و ارکان و ستون‌های توحیدش و شاهد‌ها بر بندگانش هستید، خداوند مخلوقاتش را به شما سپرده و کتابش را به میراث به شما داده، و اختصاص داد شما را به آیات کریمه و تأویل آن‌ها را به شما اعطاء فرمود، قرارداد شما را صندوق حکمتش و علامت هدایت در شهرهای خودش، برای نورش مثل به شما زده، از علمش در شما جاری نموده، شما را از هر لغزشی بازداشت و از هر آلودگی پاک نمود، رجس و پلیدی را از شما برکنار داشت، به واسطه شما نعمت‌های خود را تحقق داد، به واسطه شما جدائی‌ها را به صورت اجتماع درآورد و توسط شما بین کلمات تألیف و جمع نمود، و به وساطت شما طاعت واجب لازم شده و مودت و محبت لازم تحقق یافته، پس شما اولیاء و برگزیدگان او و بندگان با کرمش هستید، ای پسر رسول خدا! به زیارت آمده‌ام در حالی که به حقت عارف و به شأن و مقامت مستبصر هستم، دشمنانتان را دشمن داشته و دوستانتان را دوست می‌دارم، پدر و مادرم فدایت باد، رحمت خدا و درودش بر تو باد.^۱

کسی که اراده کند خدا را، به شما آغاز می‌کند، کسی که اراده کند خدا را به شما آغاز می‌کند، کسی که اراده کند خدا را به شما آغاز می‌کند، به واسطه شما خداوند غیر واقع‌ها را بر طرف می‌کند، و به توسط شما شداید و سختی‌ها را دور می‌نماید، به واسطه شما خداوند می‌گشاید

۱. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل‌الزیارات، ۳۱۸. برای موارد منقول از کامل‌الزیارات، از ترجمه سید محمد جواد ذهنی تهرانی با اندکی تغییرات استفاده شده است.

و افتتاح می‌کند، و ختم و تمام می‌نماید، و به واسطه شما آنچه را که بخواهد محو کرده و ثابت می‌نماید، به واسطه شما ذلت و خواری را از ما برمی‌دارد، به واسطه شما خداوند متعال خون خواهی هر خون مؤمنی را می‌کند که استحقاق خون خواهی را داشته باشد، به واسطه شما زمین درختانش را می‌رویاند، به واسطه شما درختان میوه می‌دهند، به واسطه شما آسمان باران می‌بارد، به واسطه شما غم و اندوه را خداوند برطرف می‌کند، به واسطه شما خداوند باران رحمتش را می‌بارد، به واسطه شما زمینی که ابدان شما را در خود دارد مستقر می‌باشد، و به واسطه شما کوه‌ها بر پایه‌های خود مستقر و مستحکم هستند، اراده حق تعالی در تقدیر امور بر شما فرود می‌آید، و از بیوت شما صادر می‌گردد، تفاسیل احکام عباد از بیوت شما صادر می‌گردد.^۱

شهادت می‌دهم که شما پیشوایان هدایت‌کننده و هدایت‌شده ما بوده و اطاعت شما بر ما واجب و کلامتان راست و مطابق با واقع است، مردم را خواندید ولی شما را اجابت نکردند، آن‌ها را به معروف امر کردید ولی اطاعتتان را نکردند و شهادت می‌دهم که شما استوانه‌های دین و رکن‌های روی زمین هستید، پیوسته خداوند شما را در صلب‌های پاکیزه منتقل فرموده و از ارحام پاك نقلتان داده و هرگز نادانی نادانان شما را آلوده نکرده و شريك و همتای شما نشده است فتنه‌هایی که از خواهش‌های نفس پیدا می‌شود، پاکیزه‌اید و محلّ نشوونمای شما نیز پاك و پاکیزه است، خداوند قهار به واسطه شما بر ما منت نهاده پس شما را در منازلی قرار داده که اذن داده است در آن منازل اسمش با صدای بلند برده شود و صلوات ما بر شما را رحمت برای ما و کفاره گناهانمان قرار داده زیرا حق تعالی شما را برای ما برگزیده و

خلقت و آفرینش ما را با آنچه بر ما مئت نهاد یعنی ولایت و دوستی شما پاك و طاهر نمود و ما نزد او علم و آگاهی شما را یاد کرده در حالی که اعتراف می‌کنیم شما را تصدیق داریم و اینجا که ایستاده‌ام مکان و محل کسی است که در گناه زیاده روی کرده و مرتکب خطا و اشتباه شده و خوار و ذلیل گشته و به آنچه جنایت نموده اقرار کرده و امید دارد به برکت این مکان شریف از تبعات گناهانش خلاص و رها گشته و به كمك شما حق تعالی او را نجات داده نظیر نجات دادن هلاک شوندگان از هلاك و مرگ، پس درخواست من این است که شفیع من باشید، چه آنکه من به سوی شما پناه آورده زمانی که اهل دنیا از شما روی تافته و آیات الهی را به استهزاء گرفته و از آن‌ها سرباز زدند.^۱

از جمله کتاب‌های مهم دیگری که از سوی غضائری روایت شده است باید به کتاب الفرق بین الآل و الأمة از ریان بن صلت، الکافی از کلینی^۲، آثار برقی^۳، بصائر الدرجات صفار^۴ و تمامی آثار صدوق^۵ اشاره نمود. متن این کتاب‌ها هم‌اکنون در دسترس است و به وضوح مشتمل بر روایاتی است که بازگوکننده کمالات و مقامات اهل بیت علیهم‌السلام هستند.^۶

۱. همان، ۵۴.

۲. همان، ۳۷۷؛ طوسی، محمد بن حسن، همان، ۳۹۵.

۳. همان، ۵۴.

۴. همان، ۴۰۸.

۵. همان، ۴۴۴.

۶. عناوین برخی از ابواب این کتاب‌ها که مرتبط با موضوع بحث هستند بدین شرح است:

بصائر الدرجات:

باب في الأئمة أنهم حجة الله و باب الله و ولادة أمر الله و وجه الله الذي يؤتى منه و جنب الله و عين الله و خزنة علمه جل جلاله و عم نواله (صفار، ۶۱)

باب في الأئمة علیهم‌السلام أنه صار إليهم جميع العلوم التي خرجت إلى الملائكة والأنبياء وأمر العالمين (همان، ۱۰۹)

با توجه به آن که ظاهراً مهم ترین استاد احمد بن حسین غضائری، پدرش حسین بن عبیدالله غضائری بوده است و هیچ تخالفی میان دیدگاه های وی با مشایخش از سوی دوستان و شاگردان نزدیکش، یعنی نجاشی و شیخ طوسی، روایت نشده است، احتمالاً باید دیدگاه های وی را نزدیک به دیدگاه پدرش دانست. باین حال تحقیق این امر بر پایه قرائن متقن دیگری باید صورت پذیرد.

باب في الأئمة عليهم السلام أنهم أعطوا علم ما مضى وما بقي إلى يوم القيامة (همان، ۱۲۹)
 باب في الإمام علي عليه السلام أن عنده اسم الله الأعظم الذي إذا سأل به أجيب (همان، ۲۱۷)
 باب في الأئمة عليهم السلام أنهم يعرفون علم المنايا والبلايا والأنساب من العرب وفصل الخطاب (همان، ۲۶۶)
 باب في الأئمة عليهم السلام أنهم يحيون الموتى ويبرءون الأكمه والأبرص بإذن الله (همان، ۲۶۹)
 باب في الإمام يرفع له في كل بلد منار وينظر فيه إلى أعمال العباد (همان، ۴۳۵)
 باب أن الأرض لا تبقى بغير إمام لوبقبت لساخت (همان، ۴۸۸)

الكافي، كتاب الحجّة:

باب أن الأئمة عليهم السلام ولاة أمر الله و خزنة علمه (كليني، ۱، ۱۹۲)
 باب أن الأئمة عليهم السلام خلفاء الله عز و جل في أرضه وأبوابه التي منها يؤتى (همان، ۱۹۳)
 باب عرض الأعمال على النبي صلى الله عليه وآله والأئمة عليهم السلام (همان، ۲۱۹)
 باب أن الأئمة ورثوا علم النبي و جميع الأنبياء والأوصياء الذين من قبلهم (همان، ۲۲۳)
 باب ما أعطي الأئمة عليهم السلام من اسم الله الأعظم (همان، ۲۳۰)
 باب أن الأئمة عليهم السلام يعلمون جميع العلوم التي خرجت إلى الملائكة والأنبياء والرسل عليهم السلام (همان، ۲۵۵)
 باب أن الأئمة عليهم السلام يعلمون علم ما كان و ما يكون وأنه لا يخفى عليهم الشيء صلوات الله عليهم (همان، ۲۶۰)

باب أن الأئمة عليهم السلام محدثون مفهمون (همان، ۲۷۰)

باب ما جاء في الاثني عشر والنص عليهم السلام (همان، ۵۲۵)

آثار صدوق:

باب اتصال الوصية من لدن آدم عليه السلام وأن الأرض لا تخلو من حجة لله عز و جل على خلقه إلى يوم القيامة (كمال الدين، ۲۱۱)

الخلفاء والأئمة بعد النبي صلى الله عليه وآله اثنا عشر عليهم السلام (الحضال، ۴۶۶)

علم رسول الله صلى الله عليه وآله علياً عليه السلام ألف باب يفتح كل باب ألف باب (همان، ۶۴۲)

باب دلالات الرضا عليه السلام (عيون أخبار الرضا عليه السلام، ۲۰۴)

باب معرفته عليهم السلام بجميع اللغات (همان، ۲۲۷)

باب صحة فراسة الرضا عليه السلام ومعرفته بأهل الإيمان وأهل النفاق (همان، ۲۲۷)

باب معنى عصمة الإمام (معاني الأخبار، ۱۳۲)

۲-۳. دیدگاه‌های ابن غضائری بر پایه کتاب الضعفاء

بیان شد که در انتساب کتاب الضعفاء کنونی به ابن غضائری، تردیدهای جدی وجود دارد؛ با این حال باید دید که اگر انتساب این کتاب نیز به ابن غضائری مسلم تلقی گردد، آیا می‌توان بر مبنای تضعیفات منقول در آن، امام‌شناسی ابن غضائری را استخراج نمود. کدیور معتقد است که اولاً کتاب الرجال یا الضعفاء وی به صورت کامل از سوی علمای متأخر روایت شده است^۱. به این ترتیب گویی از نظراو، تردیدی در انتساب این کتاب به ابن غضائری وجود ندارد.

ثانیاً این‌گونه به نظر می‌رسد که آراء ابن غضائری درباره غلو یا ارتفاع در مذهب، مستند به شهادت و حس نبوده، بلکه مبتنی بر اجتهاد خاص وی است؛ به این معنی که ابن غضائری متن روایات نقل شده از هر راوی را مورد بررسی قرار می‌داده است؛ اگر محتوای روایات را با توجه به مبانی خود مشتمل بر خروج از حد مجاز اعتقادی و ارتفاع در حق ائمه یا غلو می‌یافته، راوی را منتسب به ضعف و دروغ‌پردازی و جعل حدیث می‌کرده است^۲.

درباره فرض اول پیش از این مطالبی بیان شد که بیانگر قطعی نبودن استناد کتاب الضعفاء به ابن غضائری بود. با این حال بحث بیش‌تر در این مورد، هدف مقاله حاضر نبوده و محتوای مقاله بر پایه صحت فرض اول پی گرفته می‌شود. فرض دوم نیز بر پایه متن منقول کتاب الضعفاء قابل قبول به نظر می‌رسد و همان‌گونه که کدیور نیز اشاره کرده است، این معنا مورد تأیید برخی از صاحب‌نظران است^۳.

حال باید دید غلو خواندن مطالبی از قبیل نصب الهی امامان علیهم‌السلام، علم الهی و غیر اکتسابی ایشان، عصمت، افتراض طاعت، کرامات و معجزات و نظایر آن، با مشی ابن غضائری تطابق دارد یا خیر؟

۱. کدیور، محسن، همان.

۲. همان.

۳. ر.ک: سبحانی، جعفر، کلیات فی علم الرجال، ۹۳ و ۹۴.

با مفروض دانستن دو فرض بیان شده قبلی و تتبع در متن کتاب الضعفاء موجود، می‌توان گفت که ابن غضائری این مطالب را غلو نمی‌دانسته است این امر به دو صورت قابل دست‌یابی است.

۲- ۳- ۱- عدم تضعیف صدها تن از مخالفان نظریه «علمای ابرار» از سوی ابن غضائری

روایات فراوانی درباره مقامات و کمالات امامان علیهم‌السلام از سوی راویان و مصنفان پیش از ابن غضائری روایت شده است. در صورت صحت ادعاهای بیان شده، آیا نباید ابن غضائری، مدافع غیور نظریه «علمای ابرار» از دیدگاه کدیور، صدها تن از راویان و مصنفان پیش از خود را که راوی و ثبت‌کننده روایات مشتمل بر عناصر پیش‌گفته‌اند، در شمار الضعفاء جای می‌داد؟! به‌راستی افرادی نظیر مفید، صدوق، ابن قولویه، ابن ولید، نعمانی، کلینی، محمد بن یحیی العطار، محمد بن حسن صفار، عبدالله بن جعفر حمیری، علی بن ابراهیم، ابراهیم بن هاشم، احمد بن محمد بن عیسی، حسن بن محبوب و صدها راوی و مصنف دیگر، چگونه از دیده تیزبین این عالم غیور جا مانده‌اند؟! امکان ندارد که حال این راویان و مصنفان بر ابن غضائری پوشیده مانده باشد. بنابراین چنین نتیجه می‌گیریم که از دید ابن غضائری، روایات مشتمل بر علوم غیبی امامان علیهم‌السلام، قدرت‌ها و کرامات ایشان، عصمت، منصوب و منصوب بودن ایشان و نظایر آن، غلوآمیز نبوده و موجب متهم کردن راویان آن‌ها و تصنیف کنندگانش به کذب یا غلو نمی‌گردد.

۲- ۳- ۲- روایات ممدوحین از دید ابن غضائری

هرچند کتاب الممدوحین ابن غضائری به دست ما نرسیده است اما در خلال کتاب الضعفاء منسوب به وی و نیز نقل دیگران از او، می‌توان توثیقاتی چند را به دست آورد. بنا بر ادعای کدیور، قطعاً راویان ثقه از دید ابن غضائری، نباید روایاتی که نظریه «علمای ابرار» را نفی می‌کنند در کارنامه خود داشته باشند. با تتبع در کتاب الضعفاء موجود و سایر منقولات از ابن غضائری، پنج تن مورد توثیق و مدح وی قرار گرفته‌اند که مورد بررسی

قرار می‌گیرند. روشن است که با توجه به مبنای پیش‌گفته درباره ابن غضائری در باب توثیق و تضعیف، می‌توان به صورت روشن با استفاده از روایات این افراد، دیدگاه‌های وی را درباره غالیانه دانستن مقامات امامان علیهم‌السلام به دست آورد.

۲-۳-۱- علی بن حسان واسطی

ابن غضائری، علی بن حسان واسطی را با عبارت ثقة ثقة ستوده است.^۱ با تتبع در مصادر روایی پیش از ابن غضائری، روایات فراوانی از علی بن حسان واسطی به دست می‌آید. مضامین برخی روایات او بدین شرح‌اند:

- مکتوب بودن عبارت «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ أَيْدِيَهُ بِهِ» بر روی تمام ستون‌های آسمان که به وضوح نصب الاهی علی علیه‌السلام را به مقام امیر مؤمنان در بردارد^۲

- خلقت ویژه جسم اهل بیت از علیین و روح آنها از سرشتی برتر در برابر خلقت روح شیعیان از علیین و جسم ایشان از سرشتی پایین‌تر^۳

- آمدوشد جنیان به محضر امامان علیهم‌السلام^۴

- اطلاع امام از ما فی الضمیر انسان^۵

- مُحدَث بودن دوازده امام^۶

- تفاوت میان رسول، نبی و مُحدَث^۷

- عصمت، افتراض طاعت و علم وهبی امامان علیهم‌السلام^۸

۱. ابن غضائری، احمد بن الحسین، رجال، ۷۷.

۲. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، ۳۳۲/۲.

۳. صفار، محمد بن الحسن، بصائر الدرجات، ۱۹/۱؛ کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۳۸۹/۱.

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۳۹۴/۱؛ صفار، محمد بن الحسن، همان، ۹۵.

۵. همان، ۲۴۰.

۶. همان، ۳۲۰.

۷. همان، ۳۷۱.

۸. ابن قولویه، جعفر بن محمد، همان، ۳۱۶.

- آگاهی امام از علم منایا و بلایا

همچنین روایت مفصلی از سوی علی بن حسان واسطی در باب نماز روز غدیر روایت شده است. هرچند محمد بن موسی همدانی راوی این روایت از علی بن حسان از سوی ابن ولید به شدت تضعیف شده است^۱، اما ابن غضائری ضمن دفاع از همدانی در برابر تهمت جعل^۲، به تعدیل نظرات ابن ولید پرداخته و روایات او را به عنوان شاهد می‌پذیرد^۳. جدا از آن که ظاهراً این روایت، راوی دیگری نیز غیر از علی بن حسان دارد^۴.

برخی مضامین بلند این روایت بدین شرح است:

- شرافت ویژه عید غدیر در امم قبل و در آسمان‌ها

- ثواب بی‌بدیل روزه این روز

- امارت، ولایت و مولویت علی علیه السلام بر همه امت به امر خداوند

- توصیف امیر مؤمنان علیه السلام با این عبارات: هدایت‌گرس از پیامبر، صراط مستقیم، حجت بالغه خداوند، لسان سخن‌گواز جانب خدا در میان مردمان، نگه‌دارنده علم خداوند، جایگاه سزای الهی، کسی که همراه پیامبر از تمامی مردمان برایشان میثاق گرفته شده است.

- شکر بر نعمت هدایت به ولایت امر بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و توصیف ایشان با عنوان امامان هدایت، ارکان توحید، کمال دین و تمام نعمت خداوند و اخذ میثاق در ابتدای خلقت از همگان برای ایشان

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/۱۹۷ و ۱۹۸؛ صفار، محمد بن الحسن، همان، ۱۹۹ و ۲۰۰ مراد از منایا دانش به زمان مرگ و آجال است و منظور از بلایا حوادث و رخدادهای آینده است.

۲. صدوق، محمد بن علی، فقیه، ۲/۹۰؛ طوسی، محمد بن حسن، همان، ۱۷۴ و ۲۰۱.

۳. ابن غضائری، احمد بن الحسین، همان، ۶۲.

۴. همان، ۹۴ و ۹۵.

۵. سید بن طاوس در اقبال، این روایت را به واسطه ابوالحسن عبدالقاهر از علی بن حسان آورده است. مصدر مورد استفاده وی، کتاب محمد بن علی الطرازی، هم طبقه با نجاشی و ابن غضائری است.

(خویی، سید ابوالقاسم، همان، ۱۷/۵۱ و ۵۲).

- نامیدن امیرمؤمنان علیه السلام به حجت عظمی و آیت کبرای خداوند و نبأ عظیمی که در آن اختلاف شده است.

بسیاری از روایات فوق با راویان ثقه از علی بن حسان نقل شده است.^۱ ابن غضائری نیز هیچ یک از آن راویان را تضعیف نکرده است. به این ترتیب پذیرفتنی نیست که ابن غضائری از طرفداران نظریه «علمای ابرار» باشد.

۲-۳-۲- احمد بن محمد بن خالد برقی

ابن غضائری با اشاره به طعن قمی ها درباره برقی، بیان می کند که این طعن نه درباره خود او بلکه فقط درباره مشایخ حدیثی او بوده و اینکه وی از هرکسی اخذ حدیث می کرده است.^۲ به این ترتیب غالی نبودن برقی و عدم ضعف او روشن است. کمترین

۱. به عنوان نمونه روایتی با سند: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ جَمِيعًا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الزِّيَّاجِيُّ عَنْ أَبِي الصَّامِتِ الْخُلَوَانِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: فَضَّلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام مَا جَاءَ بِهِ أَخْذُ بِهِ وَمَا تَمَى عَنْهُ أَنْتَهَى عَنْهُ جَرَى لَهُ مِنَ الطَّلَاعَةِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَا لِي رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَالْفَضْلَ لِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله الْمُتَقَدِّمِ بَيْنَ يَدَيْهِ كَالْمُتَقَدِّمِ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ الْمُتَقَدِّمِ عَلَيْهِ كَالْمُتَقَدِّمِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ الرَّادُّ عَلَيْهِ فِي ضَعِيفَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ عَلَى حَدِّ الشِّرْكَ بِاللَّهِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بَابُ اللَّهِ الَّذِي لَا يُؤْتَى إِلَّا مِنْهُ وَ سَبِيلُهُ الَّذِي مَنْ سَلَكَهُ وَصَلَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ كَذَلِكَ كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام مِنْ بَعْدِهِ وَ جَرَى لِلْإِمَّةِ علیه السلام وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ جَعَلَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَرْكَانَ الْأَرْضِ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا وَ عُمَدَ الْإِسْلَامِ وَ رَابِطَةَ عَلَى سَبِيلِ هُدَاهُ لَا يَهْتَدِي هَادٍ إِلَّا يَهْدَاهُمْ وَ لَا يَضِلُّ خَارِجٌ مِنَ الْهُدَى إِلَّا يَتَقَصَّرَ عَنْ حَقِّهِمْ أَمْنَاءُ اللَّهِ عَلَى مَا أَهْبَطَ مِنْ عِلْمٍ أَوْ عُذِرٍ أَوْ نُذْرٍ وَ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ عَلَى مَنْ فِي الْأَرْضِ يَجْرِي لِأَخْرَجِهِمْ مِنَ اللَّهِ مِثْلَ الَّذِي جَرَى لِأَوْهَمٍ وَ لَا يَصِلُ أَحَدٌ إِلَى ذَلِكَ إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام أَنَا قَسِيمٌ اللَّهُ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ لَا يَدْخُلُهَا دَاخِلٌ إِلَّا أَعْلَى حَدِّ قَسَمِي وَ أَنَا الْفَارُوقُ الْكَبِيرُ وَ أَنَا الْإِمَامُ لِمَنْ بَعْدِي وَ الْمُؤَدِّي عَمَّنْ كَانَ قَبْلِي لَا يَتَقَدَّمُنِي أَحَدٌ إِلَّا أَحْمَدُ صلی الله علیه و آله وَ إِنِّي وَ إِيَّاهُ لَعَلَى سَبِيلِ وَاحِدٍ إِلَّا أَنَّهُ هُوَ الْمُدْعُو بِاسْمِهِ وَ لَقَدْ أُعْطِيتُ النَّبِيَّةَ عِلْمَ الْمَنَائِي وَ النَّبَلَايَا وَ الْوَصَايَا وَ فَضْلَ الْخِطَابِ وَ إِنِّي لَصَاحِبُ الْكِرَاتِ وَ دَوْلَةِ الدُّوَلِ وَ إِنِّي لَصَاحِبُ الْعَصَا وَ الْمِيسَمِ وَ الدَّابَّةِ الَّتِي تُكَلِّمُ النَّاسَ (كلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱۹۷/۱ و ۱۹۸؛ صفار، محمد بن الحسن، همان، ۱۹۹ و ۲۰۰) که مشتمل بر توصیف امامان به باب الله، ارکان زمین، حجت بالغه، قسیم الجنة و النار بودن امیرمؤمنان علیه السلام و داشتن علوم شش گانه از جمله علم منایا و بلایا است.

۲. ابن غضائری، احمد بن الحسین، همان، ۳۹.

مراجعه به روایات منقول از برقی و بخش‌های برجای مانده از المحاسن، شکی در اعتقاد او به نصب الهی امامان علیهم‌السلام، عصمت، علم وهبی، علم به مغیبات و قدرت‌های خارق عادت، برجای نمی‌گذارد.^۱

۲- ۳- ۲- ۳- احمد بن حسین بن سعید

وی فرزند حسین بن سعید صاحب کتاب‌های سی‌گانه معروف است.^۲ احمد از سوی قمی‌ها تضعیف و متهم به غلو شده است.^۳ با این حال ابن غضائری پس از ذکر اتهام غلو او از سوی قمی‌ها، تصریح می‌کند روایاتی که از او دیده، سالم بوده و نشان‌دهنده غلو نیست.^۴

برخی از مشهورترین کتاب‌های روایی که تمامی آن‌ها از سوی پدر ابن غضائری روایت شده و از این رو علی‌القاعده باید در دسترس ابن غضائری هم بوده باشد، روایاتی از احمد بن الحسین با این مضامین است:

- آگاهی امامان علیهم‌السلام از ایمان یا نفاق مردمان^۵

- تصرف امامان علیهم‌السلام در بینایی انسان^۶

- تقسیم النار و الجنة بودن علی علیه‌السلام^۷

- عرضه اعمال هر فرد به هنگام مرگ بر رسول خدا و امامان علیهم‌السلام^۸

۱. به عنوان نمونه رك: کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱۸۰/۱ در باب لزوم وجود امام؛ همان، ۱۸۱/۱ و ۱۸۲ در باب شرك بودن روبرگرداندن از اهل بیت علیهم‌السلام؛ همان، ۳۹۰/۱ در باب خلقت ویژه اهل بیت علیهم‌السلام؛ همان، ۵۲۷-۵۲۵/۱ نص بردوازه امام علیهم‌السلام؛ همان، ۵۴۸/۴ ریزش گناهان فرد زائر
۲. برای جایگاه و اشتهار کتاب‌های حسین بن سعید رك: صدوق، محمد بن علی، همان، ۳/۱؛ نجاشی، احمد بن علی، همان، ۵۸.
۳. همان، ۷۷؛ طوسی، محمد بن حسن، همان، ۵۵.
۴. ابن غضائری، احمد بن الحسین، همان، ۴۰.
۵. صفار، محمد بن الحسن، همان، ۲۸۸.
۶. همان، ۴۰۶ و ۴۰۷؛ مفید، محمد بن محمد، الإختصاص، ۳۲۳.
۷. صفار، محمد بن الحسن، همان، ۴۱۵.
۸. همان، ۴۲۸.

- خلقت نطفه امامان علیهم‌السلام از قطره‌ای عرشی^۱
- سماع صوت در بطن مادر از سوی امامان علیهم‌السلام^۲
- برافروخته شدن مصباحی برای امام که اعمال بندگان را در آن می‌بیند.^۳
- به صدا درآمدن عصا به عنوان معجزه امام علیهم‌السلام^۴
- اطاعت همه اشیاء و حیوانات از اصحاب قائم علیهم‌السلام^۵
- شفا بودن تربت سید الشهداء علیهم‌السلام برای تمامی امراض^۶
- آگاهی امیر مؤمنان علیهم‌السلام از علم أنساب، منایا، بلایا و فصل الخطاب^۷
- آگاهی امیر مؤمنان علیهم‌السلام بر تمامی گذشته و آینده^۸
- به این ترتیب روشن می‌شود که مضامین فوق از دید ابن غضائری غلو محسوب نمی‌شده است و وی روایات احمد بن حسین بن سعید را سالم و عاری از غلو خوانده است. به ویژه آن‌که بسیاری از این روایات با سند صحیح از احمد بن حسین نقل شده است.^۹ احتمال بی‌خبری ابن غضائری از این روایات مندرج در کتب مشهور،
-
۱. همان، ۴۳۴ و ۴۳۶.
۲. همان.
۳. همان.
۴. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۳۵۳/۱.
۵. ابن بابویه، ۱۳۱؛ صدوق، محمد بن علی، کمال الدین، ۶۷۳/۲.
۶. ابن قولویه، جعفر بن محمد، همان، ۲۷۵.
۷. صدوق، محمد بن علی، الخصال، ۴۱۴ و ۴۱۵.
۸. همان همان متن عبارت روایت چنین است: وَ لَقَدْ نَظَرْتُ فِي الْمَلَكُوتِ بِإِذْنِ رَبِّي فَمَا غَابَ عَنِّي مَا كَانَ قَبْلِي وَ مَا يَأْتِي بَعْدِي.
۹. به عنوان نمونه این روایت از صدوق: أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ وَ أَحْمَدُ بْنُ زَكْرِيَا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ نَعِيمٍ عَنْ يَزَادَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَمَّنْ حَدَّثَهُ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَاللَّهِ لَقَدْ أَعْطَانِي اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى تِسْعَةَ أَشْيَاءَ لَمْ يَعْطِهَا أَحَدًا قَبْلِي خَلَا النَّبِيُّ ﷺ لَقَدْ فَتِحَتْ لِي السُّبُلُ وَ عَلِمْتُ الْأَنْسَابَ وَ أُجْرِي لِي السَّحَابَ وَ عَلِمْتُ الْمَنَائِي وَ الْبَلَايَا وَ فَضَلَ الْخُطَابَ وَ لَقَدْ نَظَرْتُ فِي الْمَلَكُوتِ بِإِذْنِ رَبِّي فَمَا غَابَ عَنِّي مَا كَانَ قَبْلِي وَ مَا يَأْتِي بَعْدِي وَإِنَّ بَوْلَاتِي أَكْمَلَ اللَّهُ هَدْيَهُ الْأُمَّةِ دِينَهُمْ وَ أَمَّمَ عَلَيْهِمُ التَّعَمُّ وَ رَضِيَ إِسْلَامَهُمْ

آن هم به هنگام اظهار مخالفت با قمی ها، غیرقابل قبول است.

۲- ۳- ۲- ۴- محمد بن أورمة

ابن غضائری، محمد بن اورمة را از تهمت غلو تبرئه می کند. وی تصریح می کند که هیچ چیز منسوب به محمد بن اورمة که باعث اضطراب نفس آدمی شود وجود ندارد؛ جز چند ورقی در تفسیر باطنی قرآن که ظاهراً این اوراق از او نیست.^۱ مضمون برخی روایات محمد بن اورمة در کتاب های مشهور روایی بدین شرح است:

- امامان علیهم السلام حجت خدا و شاهدان او بر روی زمین اند و طلب شفاعت از ایشان^۲

- اعطای حسنه و محوسیئه برای هر گام در زیارت سید الشهداء علیهم السلام و حرام شدن

نار برزائیشان^۳

- شفاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله برای زائر سید الشهداء علیهم السلام و اینکه از گناهان او هر چند

بسیار باشد، سؤال نخواهد شد^۴

- خلق فرشته ای که به هنگام نماز، به یگانگی خدا، سیادت رسول خدا صلی الله علیه و آله بر

انبیاء و سیادت وصی او بر اوصیاء شهادت می دهد.^۵

- حدیث مشهور تداوم وصیت از پیامبران گذشته و اینکه زمین از حجت خالی

نخواهد بود و توارث اسم اکبر، میراث علم و آثار علم نبوت به حجج الهی^۶

- ویژگی پیراهن یوسف علیه السلام و اینکه علم و میراث خاص انبیاء به آل محمد علیهم السلام می رسد.^۷

إِذْ يَقُولُ يَوْمَ الْوَلَايَةِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا مُحَمَّدُ أَخْبِرْهُمْ أَنِّي أَكْمَلْتُ لَهُمُ الْيَوْمَ دِينَهُمْ وَرَضِيْتُ لَهُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا وَ
أَتَمَمْتُ عَلَيْهِمْ نِعْمَتِي كُلَّ ذَلِكَ مِنْ مَنِّ اللَّهِ عَلَيَّ فَلَهُ الْحَمْدُ. (همان، ۲/۴۱۴ و ۴۱۵).

۱. ابن غضائری، احمد بن الحسين، همان، ۹۳.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۴/۵۷۷.

۳. ابن قولویه، جعفر بن محمد، همان، ۱۳۳ و ۱۳۴.

۴. همان، ۱۵۳.

۵. صدوق، محمد بن علی، التوحید، ۲۸۱ و ۲۸۲.

۶. همو، کمال الدین، ۱/۱۳۴ و ۱۳۵.

۷. همان، ۱۴۲.

روشن است که این دسته از روایات منسوب به محمد بن اورمه که مضامین آن‌ها مورد قبول و تأیید ابن غضائری بوده است، به هیچ وجه در چارچوب قرائت غیرالهی از امامت نمی‌گنجد.

۲-۳-۵- صفوانی

محمد بن احمد بن عبدالله بن قضاة معروف به صفوانی، از سوی نجاشی با عبارات شیخ الطائفة، ثقة، فقیه و فاضل ستوده شده است.^۱ بنا به نقل نجاشی، وی مباحله‌ای با قاضی موصل در باب امامت داشته که به مرگ قاضی موصل می‌انجامد.^۲ ابن داود درباره او از ابن غضائری چنین نقل می‌کند که از روایات او هیچ یک را انکار نمی‌کنم مگر آنچه از پدرش از جدش از امام صادق علیه السلام روایت کرده است. ابن غضائری درباره این نقل نیز پدر صفوانی را متهم می‌کند نه خود صفوانی را.^۳ در هر حال جدای از علت انکار این روایت از سوی ابن غضائری، آنچه اهمیت دارد این است که دیگر روایات خود صفوانی، مورد انکار ابن غضائری نبوده است. در میان کتاب‌های صفوانی عناوینی به این شرح وجود دارد: کتاب الامامة، کتاب رد علی اهل الاهواء و کتاب الغیبة و کشف الحیرة.^۴

شیخ طوسی از کتابی با نام کتاب الکشف و الحجة یاد کرده که می‌تواند همان کتاب الغیبة و کشف الحیرة در بیان نجاشی باشد.^۵ این کتاب احتمالاً از منابع طوسی در الغیبة بوده است. طوسی از وی روایاتی را درباره معجزات امام

۱. نجاشی، احمد بن علی، همان، ۳۹۳.

۲. همان.

۳. ابن داود، حسن بن علی، رجال، ۴۹۷. عبارت نقل شده از سوی ابن داود چنین است: ما أنكرت منه شيئاً إلا ما يرويه [عن أبيه] عن جده عن الصادق عليه السلام فإنه شيء غير معروف وقد رأيت فيه مناكير مكدوبة عليه وأظن الكذب من قبل أبيه.

۴. نجاشی، احمد بن علی، همان، ۳۹۳.

۵. طوسی، محمد بن حسن، فهرست، ۳۹۱.

مهدی علیه السلام و اخبار ایشان از غیب به دست سفرای ایشان نقل کرده است.^۱ طوسی این روایات را از حسین بن عبیدالله غضائری و مفید از صفوانی نقل کرده است. با توجه به قرائن فوق به هیچ وجه نمی توان بر پایه کتاب الضعفاء ابن غضائری، وی را در زمره قائلان به قرائت غیر الهی از امامت جای داد، یا آن که وی را منکر کمالات و مقامات ماورائی اهل بیت علیهم السلام برشمرد.

۲- ۴- بررسی دیدگاه وحید بهبهانی درباره ابن غضائری

همان گونه که پیش تر بیان شد، کدیور در مقام بیان دیدگاه ابن غضائری درباره مقامات امامان علیهم السلام، از بیانی از وحید بهبهانی استفاده کرده است. بیان وحید بهبهانی مربوط به تبیین نحوه تضعیفات قدما است که در این بین به اصطلاح «الطیارة» و «اهل الإرتفاع» پرداخته و چنین می گوید:

اعلم ان الظاهر ان كثيرا من القدماء، سيما القيمین منهم (و الغضائری)، كانوا يعتقدون للائمة علیهم السلام منزلة خاصة من الرفعة والجلالة و مرتبة معينة من العصمة والكمال بحسب اجتهادهم و رأيهم و ما كانوا يجوزون التعدی عنها و كانوا يعدون التعدی ارتفاعا و غلوا حسب معتقدهم. حتی أنهم جعلوا مثل نفي السهو عنهم غلوا بل ربما جعلوا مطلق التفویض إليهم أو التفویض الذی اختلف فيه، كما سنذكر، أو المبالغة في معجزاتهم و نقل العجائب من خوارق العادات عنهم أو الاغراق في شانهم و اجلالهم و تنزيههم عن كثير من النقائص و اظهار كثير قدرة لهم و ذكر علمهم بمكنونات السماء و الأرض، ارتفاعا أو مورثا للتهمة به؛ سيما بجهة ان الغلاة كانوا مختلفين في الشيعة مخلوطين بهم مدلسين. (و بالجملته) الظاهر ان القدماء كانوا مختلفين في المسائل الأصولية أيضا فرما كان شئ عند بعضهم فاسدا أو كفرا أو غلوا أو تفویضا أو جبرا أو تشبيها أو غير ذلك. وكان عند اخرهما

يجب اعتقاده أو لا هذا ولا ذاك وربما كان منشأ جرحهم بالأمور المذكورة وجدان الرواية الظاهرة فيها منهم كما أشرنا آنفاً وادعاه أرباب المذاهب كونه منهم أو روايتهم عنه وربما كان المنشأ روايتهم المناكير عنه إلى غير ذلك فعلى هذا ربما يحصل التأمل في جرحهم بأمثال الأمور المذكورة^۱.

آنچه از این گزارش به دست می‌آید چنین است که میان قدما در مسائل اعتقادی، اختلافاتی وجود داشته است؛ اما برخلاف برداشت نادرست کدیور از این متن، دامنه این اختلاف به‌ویژه در بحث غلو، مطابق با آنچه بیان شده است، بسیاری از ارکان اعتقاد شیعیان به امامت را در بر نمی‌گیرد؛ از جمله اعتقاد به نصب و علم الهی امامان علیهم‌السلام، عصمت، افتراض طاعت و بی‌خطا بودن امامان علیهم‌السلام در حوزه دین.

با دقت افزون‌تر در بیان وحید بهبهانی مشاهده می‌شود که اصل بروز خوارق عادت از امامان علیهم‌السلام نیز به‌گونه‌ای در زمره امور متفق علیه معرفی شده است؛ زیرا در همه جا برای غلو شمردن این موارد از ضمیمه نمودن مواردی چون مبالغه، عجایب، کثرت و اغراق، استفاده شده است. تنها در باب تفویض، به تلقی مطلق آن، غلو گفته شده است. همچنین در علم به مکنونات آسمان و زمین که ظاهراً با نوعی کلیت و شمول همراه است.

نتیجه آن که استشهاد به این سخنان برای ارائه قرائتی غیر الهی از امامت که با انکار ارکان اصلی امامت شیعی عجین است، نابجا می‌نماید. از سوی دیگر این اظهار نظر وحید بهبهانی نوعی اجتهاد و نظریه پردازی از سوی ایشان محسوب می‌شود و نه گزارشی تاریخی. قول به اینکه قمی‌ها بیشتر یا تمامی این موارد را در حیطه غلو جای می‌داده‌اند، به صورت جدی محل تأمل است. خوشبختانه روایات فراوانی از مشایخ و علمای مهم قم در دسترس است. دقت در آن‌ها بهترین راه برای داوری درباره این نظریه است که با توجه به موضوع مقاله حاضر درباره ابن غضائری، پژوهش پیرامون

۱. بهبهانی، وحید، الفوائد الرجالية، ۳۸.

آن مجالی دیگر می‌طلبید. درباره ابن غضائری نیز مطابق با آنچه بیان شد نمی‌توان به صورت مطلق چنین دیدگاهی را پذیرفت.

نتیجه‌گیری

بر مبنای آنچه در این مقاله ارائه شد مشخص می‌شود: یکم. با توجه به برجای نماندن آثار و تألیفات أحمد بن حسین غضائری و پدرش و تردید در انتساب کتاب الرجال یا کتاب الضعفاء موجود به ابن غضائری، امکان داوری دقیق درباره معتقدات ایشان در باب مقامات و فضایل امامان علیهم‌السلام وجود ندارد. دوم. هیچ انکاری یا تردیدی درباره تشیع امامی این دو تن با مبانی اعتقاد به نصب الهی، عصمت و علم وهبی امامان علیهم‌السلام، چه در بین متأخران و چه متقدمان، گزارش نشده است؛ همچنان که عدم اعتقاد این دو به اوصاف فوق و مخالفتشان با مشهور، به هیچ وجه گزارش نشده است.

سوم. هرچند در بیانات متأخران نوعی سخت‌گیری درباره کمالات و فضایل امامان علیهم‌السلام از دید ابن غضائری بیان شده؛ اما حدود روشنی در این باره ترسیم نشده است و اصل کمالاتی چون آگاهی از مغیبات، کرامات و توانایی خارق عادت، محل اشکال قرار ندارد. چهارم. بر پایه کتاب الضعفاء منسوب به ابن غضائری و نیز بر پایه گزارشهای نجاشی و شیخ که انتساب آن مسلم است نتیجه می‌شود که بسیاری از کمالات و فضایل خاص اهل بیت علیهم‌السلام چون علم بر مغیبات، داشتن اسم اعظم، کرامات و خوارق عادات، فضایل بی‌شمار زیارت و توسل به اهل بیت علیهم‌السلام و نظایر آن، از دید ابن غضائری بی‌اشکال بوده، غلو محسوب نمی‌شده است. البته تحقیق در معنا یا معانی غلو و تفاوت دیدگاه قدما، به ویژه قمی‌ها در این باره، نیازمند تحقیق تفصیلی دیگری است که از حدود پژوهش این مقاله خارج است.

- ابن بابويه، على بن الحسين بن بابويه، الإمامة والتبصرة من الحيرة، مدرسة الإمام المهدي عجل الله تعال فرجه الشريف، قم، ۱۴۰۴ ق.
- ابن حجر، أحمد بن على، لسان الميزان، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بيروت، ۱۳۹۰ ق.
- ابن حنبل، أحمد، مسند أحمد، دار صادر، بيروت، بی تا
- ابن داود، حسن بن على، الرجال، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۲
- ابن غضائری، أحمد بن الحسين، الرجال، دار الحديث، قم، ۱۳۶۴
- ابن قولويه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، دار المرتضوية، نجف، ۱۳۵۶
- انصاری، حسن، نقد يك نظريه غير تاريخی: در حاشیه مقاله علمای ابرار كديور، <http://ansari.kateban.com/entry1386.html>
- برقی، أحمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دار الكتب الإسلامية، قم، ۱۳۷۱ ق.
- بهبهانی، وحید، الفوائد الرجالية، لوح كتابخانه اهل بيت عليهم السلام، نسخه ۱
- حلی، حسن بن يوسف، رجال، دار الذخائر، قم، ۱۴۱۱ ق.
- حميديه، بهزاد، نقد امامت پژوهی كديور، روزنامه رسالت، شماره ۶۰۴۷ تا ۶۰۶۷، ۶/۱۰/۸۵ تا ۸۵/۱۱/۲۸
- خویی، سيد ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، مركز نشر آثار شيعه، قم، ۱۴۱۱ ق.
- رضائی، محمد جواد، كُرخوانی تاريخ تشيع، فصلنامه مدرسه، شماره ۵، مهر ۱۳۸۵
- سبحانی، جعفر، کلیات فی علم الرجال، مؤسسة النشر الإسلامي، قم، ۱۴۱۴ ق.
- سيد بن طاووس، على بن موسى، الإقبال بالأعمال الحسنة، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۶
- صدوق، محمد بن على، التوحيد، جامعه مدرسين، قم، ۱۳۹۸ ق.
- _____، النخصال، جامعه مدرسين، قم، ۱۳۶۲
- _____، ثواب الأعمال وعقاب الأعمال، دار الشريف الرضى للنشر، قم، ۱۴۰۶ ق.
- _____، عيون أخبار الرضا عليه السلام، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸
- _____، من لا يحضره الفقيه، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۳ ق.
- _____، كمال الدين وتمام النعمة، دار الكتب الإسلامية، تهران، ۱۳۹۵ ق.
- _____، علل الشرائع، كتاب فروشى داوری، قم، ۱۳۸۵ ق.
- صفار، محمد بن الحسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله عليهم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، قم، ۱۴۰۴ ق.
- طوسی، محمد بن حسن، الغيبة، دار المعارف الإسلامية، قم، ۱۴۱۱ ق.
- _____، رجال الطوسی، مؤسسة النشر الإسلامي، قم، ۱۳۷۳

_____، فهرست کتب الشيعة وأصولهم وأسماء المصنفين وأصحاب الأصول،
ستاره، قم، ۱۴۲۰ ق.

طهرانی، آقا بزرگ، الذریعة، دار الأضواء، بیروت، ۱۴۰۳ ق.

غلامی، اصغر، منصب امامت مقامی بشری یا فرا بشری، کلام اسلامی، شماره ۷۳، بهار ۱۳۸۹
کدیور، محسن، بازخوانی نهضت حسینی، روزنامه شرق، شماره‌های ۷۱۳ و ۷۱۴ و ۱۳
۱۳۸۴/۱۲/۱۴

کدیور، محسن، قرائت فراموش شده؛ بازخوانی نظریه علمای ابرار، تلقی اولیه اسلام شیعی از
اصل امامت، فصلنامه مدرسه، شماره ۳، اردیبهشت ۱۳۸۵

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ ق.

مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الإختصاص، المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، قم،
۱۴۱۳ ق.

نجاشی، أحمد بن علی، رجال النجاشی، مؤسسة النشر الإسلامي، قم، ۱۳۶۵

آراء الغضائري وابنه حول مقامات الأئمة عليهم السلام، مع إطلالة نقدية على القراءة غير الإلهية للإمامة

رضا قرباني زرين

٣٦٨

الخلاصة:

كانت الإمامة وكمالات الأئمة عليهم السلام وفضائلهم من أهم المسائل العقائدية التي أثار اهتماما واسعا على مدى التاريخ الشيعي.

ويحتلّ التعرّف على آراء علماء الشيعة ومتحدثيهم المتقدمين أهميةً فائقة في عملية التحليل التاريخي لعقائد الشيعة.

وكان الغضائري وابنه من أكابر علماء الرجال ومن المطلعين على تصنيفات شيعة عصرهما. ومن هنا تنال آراؤهما حول مقامات الأئمة عليهم السلام وحدود الغلو فيها أهميةً خاصة. وتتضاعف أهمية آراء هذين العالمين نظرا لما يعتقده بعض معاصرينا من أنّ أكثر القدماء - وخصوصا ابن الغضائري - كان لهم قراءة غير إلهية لمنصب الإمامة.

وهذه المقالة تستفيد من الشواهد التاريخية ومن الأحاديث المروية عن الغضائري ونصّ كتاب الضعفاء المنسوب لابن الغضائري لتصل إلى أنّ الغضائريّان الأب والابن كانا من المعتقدين بالإمامة المنصوصة عن طرف الله، وأنّ الأئمة عليهم السلام لهم كمالات كالعصمة والعلم الوهبي والاطّلاع على المغيّبات والقدرات الخارقة للعادة.

وبالرغم من عدم إمكانية الحكم بدقّة حول مدى كمالاتهم - كالاطّلاع على المغيّبات، وأمثال ذلك - لعدم بقاء آثار مستقلة لهما، إلا أنّ أصل هذه الكمالات كانت من الأمور المقبولة لديهما، ولم يعدّاهما غلوًا.

Views of Ghaza'iri and Ibn Ghaza'iri concerning Stations of the Imams (A.S) A Critical View to non-Divine Reading of Imam

Reza GhorbaniZarrin

۳۶۹

Abstract

Imamate as well as perfections and virtues of the Imams (A.S) are among most important ideological issues and have created many encounters in the course of Shi'i history. To get familiar with views of earlier Shi'i scholars and muhaddithun in historical analysis of Shi'is' ideas is of paramount importance. Ghaza'iri and his son were among great scholars of biographies of scholars of religion (science of rijal). They were familiar with writings of their contemporary Shi'is. For this reason, their views about stations of the Imams (A.S) and the limits of extremism are of importance. Because of the ideas of some of our contemporaries who are of the opinion that most earlier scholars- and in particular Ibn Ghaza'iri- have provided a non-Divine reading of the position of Imamate, this view assumes much more importance. In the present article, relying upon historical evidence, hadiths narrated by Ghaza'iri and the book al-Du'afa which is ascribed to Ibn Ghaza'iri, the author has shown that Ghaza'iri and Ibn Ghaza'iri believe that Imam is appointed by God and Imams (A.S) enjoy perfections such as infallibility, God-given knowledge, knowledge of the hidden, and extraordinary capabilities. Since no independent work written by them has been handed down to us, perfections such as knowledge of the hidden and the like can be accurately judged; however, they confirmed such perfections and did not consider [belief in] them as extremism.